

## کلاف سر در گم اقتصاد ایران چگونه باز می‌شود؟

دکتر مهدی فتح‌اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

### گسترش صنعت

مشکلات اقتصاد ایران را می‌توان به مثابه کلاف سردرگمی تشبیه کرد که اصلاح آن نیازمند تمرکز ویژه به منظور یافتن سرخ‌های اصلی برای گشودن این کلاف بهم ریخته است. به‌عنوان مثال در حالیکه از یکسو در سطح کلان از رشد بالای نقدینگی در اقتصاد ایران به‌عنوان یکی از مهمترین دلایل تورم یاد می‌شود از سوی دیگر و در سطح خرد، بنگاه‌های تولیدی از کمبود نقدینگی در راستای تامین مالی سرمایه در گردش و ... به‌عنوان یکی از مهمترین چالش‌های خود نام می‌برند. براین اساس سوال اساسی این است که حجم نقدینگی موجود برای اقتصاد ایران مناسب است یا خیر؟ اگر مناسب نیست چه سیاست منطقی باید در پیش گرفت و اگر مناسب است چگونه این پارادوکس قابل حل است؟ به‌عنوان مثال باید اشاره کرد که طی دهه‌های اخیر همواره بر توسعه صادرات غیرنفتی کشور تاکید شده است در حالیکه یکی از پیش‌نیازهای اصلی دستیابی به چنین هدفی تقویت و توسعه بخش خصوصی است. براین اساس سوال اساسی آن است که آیا اساساً بخش خصوصی قدرتمندی برای بدست گرفتن سکان فعالیتهای اقتصادی در کشور وجود دارد؟ اگر این بخش خصوصی وجود ندارد چه سیاستهای منسجمی در این راستا باید بکار گرفته شود؟ موضوع دیگری که همواره براساس سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح بوده است تغییر نقش دولت از پاروزن به سکاندار است. سوال قابل طرح آن است که حدود وظایف و جایگاه دولت سکاندار کدام است؟ و چگونه فعالیتهای تصدی‌گری دولت باید واگذار شود؟ از سوی دیگر این فعالیتها به چه گروه و با چه ویژگیهایی باید واگذار شود و ضمناً آیا بخش غیردولتی توان برعهده گرفتن این فعالیتها را دارد؟ براساس اسناد بالادستی کشور موضوع تقویت قدرت رقابت‌پذیری، اقتصاد ملی است که بدون تردید یکی از پیش‌نیازهای اصلی دستیابی به چنین هدف مهمی را باید در جذب منابع مالی، فناوری روز جهان دنبال کرد. این در حالی است که (حتی در صورت انجام تلاشهای منسجم و چشمگیر در این خصوص) خروجی قابل توجه و مثبتی در این راستا به چشم نمی‌خورد. نظم‌بخشی به اقتصاد ایران

تحت شناسایی سرنخ‌های اصلی و برنامه‌ریزی منسجم متناسب با هر یک از موضوعات امکان‌پذیر است. از مهمترین سرنخ‌ها را می‌توان به خروج از اقتصاد دستوری به سمت اقتصاد آزاد و تعامل با دنیای خارج به منظور جذب فناوری و منابع مالی خارج اشاره کرد.

بخشی از مشکلات حوزه اقتصاد ایران (بویژه تولید) همچون قدرت رقابت‌پذیری پایین، قیمت تمام شده بالا، ظرفیت‌های خالی تولیدی و ... تنها از طریق جذب دانش روز دنیا و تزریق آن در بدنه‌های تولیدی کشور میسر می‌شود.

بهبود فضای کسب و کار و ایجاد ثبات اقتصادی نیز در توسعه اقتصادی کشور نقش بسزایی دارد چراکه بدون وجود نظام تولید چابک و کارآمد، اهدافی همچون اشتغال پایدار، ثبات قیمت‌ها و ... تنها در حد رویا و سراب باقی خواهد ماند و جامه عمل بر تن نخواهد کرد. براین اساس به منظور داشتن نظام تولیدی مناسب باید ثبات اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار از مهمترین اولویت‌ها و برنامه‌ها باشد.

همچنین یکی از مهمترین راهکارهای انعطاف‌پذیری اقتصاد ایران را باید در توسعه بخش غیردولتی توانمند (با قابلیت و توانایی در دست گرفتن فعالیت‌های اقتصادی) جستجو کرد. بدین‌منظور ایجاد فضای رقابتی، شفافیت اطلاعات و تدوین برنامه مدون در این راستا بسیار ضروری است.

در خاتمه می‌توان گفت که نظام‌های پولی و مالی از مهمترین و حیاتی‌ترین بخش‌های هر اقتصادی به‌شمار می‌روند که توسعه و تقویت آنها توسعه و تقویت بخش‌های حقیقی اقتصاد (بخش‌های تولیدی) را به‌همراه خواهد داشت.